

زنان، نظام آموزش عالی و اشتغال در ایران

محمد رضا ایروانی*

تاریخ وصول: ۸۳/۲/۶ تاریخ پذیرش: ۸۳/۶/۱۹

چکیده:

در عصر حاضر سرمایه‌ی انسانی، افزایش سطح تحصیلات و استفاده بهینه از نیروهای توانمند، اهمیتی بیش از گذشته یافته است. طی چهل سال اخیر، مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، امکانات و شرایط تحصیلی بیشتری برای زنان فراهم گردیده و عملاً در نگرش جامعه نسبت به ادامه‌ی تحصیل زنان تغییراتی به وجود آمده است. افزایش تعداد زنان تحصیل کرده و افزایش سن ازدواج موجب کاهش مولید و ارتقاء فرهنگ جامعه را به دنبال داشته است؛ اما بر اساس آمار موجود در سه دهه‌ی اخیر، عملاً از میزان اشتغال زنان کاسته شده است. افزایش بار تکفل و توسعه خط فقر در جامعه را می‌توان از جمله پیامدهای سوء کاهش اشتغال زنان به شمار آورد. تغییر و تحول اشتغال زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه نشان از این دارد که بیشترین نسبت کاهش اشتغال زنان در بخش صنعت رخ داده است. علاوه بر آن، با توجه به افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان زن از مراکز آموزش عالی کشور، عملاً پدیده‌ی تبعیض جنسی در بازار کار حاصل گردیده است. به نسبت افزایش سطح تحصیلات زنان، شرایط لازم برای ارتقاء مدیریتی و اشتغال در پست‌های حساس مملکتی نیز به وجود نیامده است.

واژه‌های کلیدی: پایگاه شغلی، جمعیت فعال، میزان عمومی فعالیت زنان، مشارکت زنان، دیدگاه فمینیستی.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر (ahmad_irani70@yahoo.com)

۱- مقدمه

چنانچه فعالیت اقتصادی زنان از بعد نیروی انسانی، و سهم مؤثر آن در توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی کشور مطالعه شود، اهمیت مشارکت این جمعیت قابل توجه و لزوم فراهم آوردن زمینه‌های گسترش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران آشکارتر می‌شود.

سهم حدود ۹ درصدی زنان فعال از نظر اقتصادی (طبق آمار سرشماری سال ۱۳۷۵) به خودی خود منعکس کننده‌ی میزان اندک مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان در مقایسه با مردان در جامعه در حال توسعه ایران است. امروزه میزان توسعه‌ی اقتصادی (به عبارتی بهره‌گیری مناسب از نیروی انسانی) زنان، همگام با اهداف توسعه در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی، شاخصی از توسعه یافتگی است. اما به نظر می‌رسد که اشتغال زنان در محیط خارج از خانه در ایران هنوز با بعضی سوء تعبیرها، انتقادات، پیشداوری‌ها و شبهاتی در سطح جامعه ایرانی همراه است. البته، عواملی چون بحران‌های اقتصادی، بیکاری، شرایط نابرابر اشتغال زنان و مردان در بازار کار ایران که اثرات مستقیمی بر محدودیت میزان مشارکت اقتصادی زنان در جامعه ایران باقی گذاشته است. علاوه بر آن، می‌توان به وجود برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی دیگر نظیر تعابیر خاصی از نقش شغلی زنان، نگرش‌های منفی و پنداشت‌های ویژه درباره‌ی فعالیت زنان اشاره کرد که موانعی در راه تحقق و گسترش زمینه‌های همکاری زنان تلقی می‌گردند. نگارنده در این مقاله با تکیه بر برخی از تاملات نظری و یافته‌های تحقیق تجربی به بررسی این موانع می‌پردازد. روش تحقیق به کار رفته در مقاله میدانی است، و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است.

زنان متأهل شاغل و غیرشاغل مناطق ده گانه شهر اصفهان به عنوان جامعه آماری این تحقیق هستند و از میان آنان ۴۵۰ نفر به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری نظیر جداول توزیع فراوانی یک بعدی و دو بعدی و سه بعدی χ^2 و ضریب توافق (P_T) و همچنین درصدگیری و بعضی فرمول‌های جمعیت‌شناسی نظیر میانه، میانگین، میزان عمومی فعالیت، میزان اشتغال و بار تکفل استفاده گردیده است. فرضیات تحقیق به شرح زیر است:

(۱) بین اشتغال زنان و درآمد آنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؟

۲) بین اشتغال زنان و سن ازدواج آنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؟
 ۳) بین اشتغال زنان و میزان مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی آنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۴) بین تحصیلات زنان و اشتغال آنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
 این مقاله در سیزده بخش تنظیم شده است. بخش دوم مروری بر پیشینه‌ی تحقیق دارد. بخش سوم مشارکت اقتصادی زنان را بررسی می‌کند. بخش چهارم آمار مربوط به فعالیت زنان را ارائه و تحلیل می‌نماید. بخش پنجم میزان عمومی فعالیت زنان را در دهه‌های قبل ارائه می‌نماید. بخش ششم تا یازدهم رابطه‌ی اشتغال زنان را با وضعیت سواد، درآمد، تعداد فرزندان و سن ازدواج بررسی می‌کند. در فصل دوازدهم و سیزدهم نتایج تحقیق ارائه و پیشنهادهای نیز بیان می‌شود.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

لیلا عظیمی (۱۳۸۰) در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان مطالعه موردی زنان شهر شیراز به بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین شاخص‌های پایگاه اقتصادی (درآمد و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی) و جهت‌گیری ارزشیابانه، احساسی و شناختی رابطه‌های معناداری وجود دارد. اما بین درآمد و جهت‌گیری احساسی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود ندارد. همچنین، مشاهده شد که بین شاخص‌های پایگاه اجتماعی (شغل، تحصیلات، گستره شبکه ارتباطی و سنت‌گرایی) و جهت‌گیری ارزشیابانه (به غیر از گستره شبکه ارتباطی) رابطه‌های مثبت و معناداری وجود دارد.

تیم کالان و دیگران (۱۹۹۸)^۱ در تحقیق خود به بررسی عرضه کار زنان و عدم تساوی درآمد زنان و مردان در ایرلند طی سال‌های ۹۴ تا ۱۹۸۷ پرداخته‌اند. نتایج حکایت از افزایش همبستگی بین درآمد زوجین، در دوره‌ی مورد مطالعه دارد. در عین حال، افزایش مشارکت زنان و افزایش نرخ‌های دستمزد آنها (بین ۲۰ تا ۵۰ درصد) باعث کاهش تبعیض درآمد میان مردان و زنان در ایرلند شده است. سایر عواملی که باعث کاهش این تبعیض شده است، به درآمد زنان بستگی ندارد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که با وجود افزایش سریع نرخ مشارکت زنان، درآمدهای

^۱ Calan, T and etc

آنان در سال ۱۹۹۴ همچنان تنها ۱۵ درصد از کل درآمد خانوار را تشکیل می‌داده است.

لینگ یانگ (۲۰۰۰)^۲، در مقاله‌ای به بررسی آموزش، نرخ مشارکت زنان متاهل، باروری و رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که فزاینده بودن هزینه‌های فرصت داشتن فرزند باعث کاهش تمایل زنان به فرزنددار شدن و افزایش تمایل آنها به فعالیت اقتصادی شده است. همچنین مدل ارائه شده در این مقاله با استفاده از آمارهای اجتماعی تایوان نشان می‌دهد که در مراحل مختلف توسعه اقتصادی، هر چه مخارج آموزش بیشتر باشد، نرخ مشارکت زنان بالاتر است و افزایش مشارکت زنان سهم مهمی در رشد پایدار اقتصادی دارد.

هامفری (۱۹۸۷)^۳، به بررسی مرتبه شغلی زنان برزیل پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که کارگران مرد با فراگیری مهارت‌ها و آموزش‌های لازم می‌توانند از موقعیتی به موقعیت دیگر ارتقا یابند. در حالی که زنان به طور ثابت در مراحل پایین سلسله مراتب شغلی می‌مانند. این امر به این دلیل است که مردان بر خلاف زنان تجربه و آموزش کسب می‌کنند. عوامل مهارت و آموزش و پیشرفت نیز می‌تواند چشم‌اندازی برای آینده مردان باشد.

۳- مشارکت اقتصادی زنان

بنابر آمارهای مرکز آمار ایران، مشارکت اقتصادی زنان ایرانی در مقایسه با میزان مشارکت زنان در کشورهای صنعتی توسعه یافته و حتی برخی از کشورهای در حال توسعه در حد بسیار پایینی قرار دارد. به نظر می‌رسد زندگی زنان در جامعه ایرانی تا حدود زیادی از رفتار، طرز تفکر و نگرش مردان پیرامونشان متأثر می‌شود. زیرا پدر خانواده بر میزان و نوع تحصیلات دختران و ازدواج (غالباً زودرس) آنان و شوهران بر ادامه تحصیل همسران، دامنه‌ی فعالیت اجتماعی و اشتغال آنان اثر تعیین‌کننده‌ای دارند. به ویژه اینکه در قوانین ایران شوهر قادر است که اگر اشتغال به کار همسر خود را به مصلحت خانواده تشخیص ندهد، از آن جلوگیری کند. با حاکمیت چنین شرایطی طبیعتاً می‌توان انتظار داشت که امر اشتغال به کار زنان و گسترش فعالیت‌های

^۲ Ling yang, H

^۳ Humphrey

اقتصادی، اجتماعی آنها از چگونگی رأی و نظر پدران و شوهرانشان تأثیر پذیراست. به این ترتیب، طبعاً موافقت یا مخالفت مردان خانواده با فعالیت شغلی دختران یا زنانشان در کنار بسیاری از عوامل اقتصادی و اجتماعی دیگر ممکن است عامل مؤثر فرصت‌های زنان را برای ورود به بازار کار، باقی ماندن و ادامه فعالیت و نیز دستیابی به مناصب شغلی بالاتر، گسترده یا محدودتر کند.

جدول ۱: سهم زنان از جمعیت شاغل (به درصد) ایران در مقایسه با کشورهای دیگر

کشورهای صنعتی			کشورهای در حال صنعتی شدن		
کشور	سال	در صد زنان	کشور	سال	در صد زنان
مصر	۱۹۸۴	۱۸/۷	اتریش	۱۹۸۷	۴۰/۱
هند	۱۹۸۱	۲۵/۹	کانادا	۱۹۸۶	۴۲/۹
اندونزی	۱۹۸۵	۳۵/۹	فرانسه	۱۹۸۷	۴۳/۳
کره جنوبی	۱۹۸۷	۳۹/۹	آلمان غربی	۱۹۸۷	۳۹/۵
پاکستان	۱۹۸۰	۳/۷	ایتالیا	۱۹۸۷	۳۶/۴
تونس	۱۹۸۴	۲۱/۳	ژاپن	۱۹۸۵	۳۸/۶
ترکیه	۱۹۸۰	۳/۰	سوئد	۱۹۸۷	۴۸/۷
ایران	۱۹۸۸	۹/۰	ایالات متحده	۱۹۸۷	۴۵/۵

Source: ILO, 1988

جدول ۲: نسبت زنان فعال و غیرفعال اقتصادی در ایران طی سال‌های ۷۵ - ۱۳۳۵

سال	جمعیت زنان ۱۰۰ (۱۰۰۰ نفر)	جمعیت فعال اقتصادی (%)			جمعیت غیر فعال اقتصادی (%)		
		کل	شاغل	بیکار	کل	در حال تحصیل	خانه دار
۱۳۳۵	۶۲۴۲	(۹/۲)	(۹/۲)	(۰/۰)	(۹۰/۸)	(۴/۰)	(۷۹/۵)
۱۳۴۵	۸۲۰۶	(۱۲/۶)	(۱۱/۵)	۱/۱	(۷۸/۴)	(۷/۴)	(۷۲/۳)
۱۳۵۵	۱۱۲۰۶	(۱۲/۹)	(۱۰/۸)	۲/۱	(۸۷/۱)	(۱۴/۸)	(۶۸/۸)
۱۳۶۵	۱۶۰۳۳	(۸/۲)	(۶/۱)	۲/۱	(۹۱/۱)	(۱۶/۶)	(۶۸/۷)
۱۳۷۵	۲۲۳۷۹	(۹/۱)	(۷/۹)	۱/۲	(۸۹/۹)	(۲۶/۶)	(۵۸/۴)

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال‌نامه آماری کشور ۷۵ - ۱۳۳۵

شمار فزاینده‌ی دانشجویان زن در سطوح مختلف تحصیلات عالی در کشور فرصت‌های ورود به فعالیت شغلی را برای زنان و دختران تسهیل می‌کند. این پدیده‌ای است که طی سال‌های اخیر در کشور انگلستان عملاً تجربه شده است (آناندل و هانت، ص ۲۰۵).^۴

^۴ Anandel and Hant

هنگامی که زنان ایرانی از مانع اجتماعی نداشتن آموزش و تحصیلات کافی برای احراز مناصب و پایگاه‌های شغلی بالاتر، عبور کنند، با موانع اجتماعی و فرهنگی دیگری از قبیل ترجیح کارفرمایان برای استخدام مردان بر زنان و تبعیض‌های جنسیتی رو به رو می‌شوند.

میزان مشارکت زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در پانزده سال گذشته کاهش یافته است. در فاصله سال‌های ۷۰-۱۳۵۵ با وجود افزایش حجم زنان فعال از ۱/۴۴۹ هزار نفر به ۱/۶۳۰ هزار نفر میزان مشارکت زنان در اقتصاد کشور به دلیل موانع ساختاری بازار کار از ۱۲/۹ به ۸/۷ درصد سقوط کرده است. این نزول مغایر با سرمایه‌گذاری سنگینی است که طی این مدت در زمینه‌ی ارتقاء سواد زنان ۶ ساله و بیشتر از ۳۵/۵ درصد به ۶۷/۱ درصد صورت گرفته است. (مرکز آمار ایران، ۷۰ - ۱۳۶۵) شمار زنان منتفع از تحصیلات عالی در جمعیت غیر محصل از ۷۵ هزار نفر به ۲۵۸ هزار نفر و زنان منتفع از تحصیلات دبیرستان از ۳۰۶ هزار نفر به ۱/۷۰۳ هزار نفر افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۷۰- ۱۳۵۵). این داده‌ها نشان می‌دهد که شرایط و امکانات لازم برای استفاده از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زمینه‌ی منابع انسانی حداقل در مورد زنان فراهم نشده است و نمی‌توان انتظار داشت که بهره‌وری از نیروهای کار زنان با افزایش این نوع سرمایه‌گذاری ارتقاء یابد.

مسئله نگرش فرهنگی مردم ایران به کار و شغل زن نیز مسأله مهمی است که باید در رابطه با توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. در فیلم‌های نمایشی و کتاب‌های درسی و به طور کلی در رسانه‌های گروهی الگوهای فرهنگی مناسبی در حوزه‌ی اشتغال زنان ارائه نمی‌شود. اصلاح نگرش فرهنگی جامعه به کار زن چه در حوزه‌ی تولید و چه در حوزه‌های دیگر مانند خدمات اجتماعی می‌تواند جایگاه زنان را در عرصه‌ی کار و تولید ارتقاء بخشد.

بعد از انقلاب اسلامی به آموزش زنان، خصوصاً آموزش عالی آنها توجه بسیار شده است. آمار به دست آمده بیانگر این است که در سال تحصیلی ۱۳۸۰ پذیرفته‌شدگان زن با ۶۰ درصد از کل قبول شدگان، از سهم بیشتری نسبت به مردان برخوردار بوده‌اند. این امر نشانه رشد فکری و اجتماعی و توان بالقوه زیاد این قشر از جامعه است. با توجه به افزایش پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌ها،

طبیعی است که باید با برنامه‌ریزی‌های صحیح امکان استفاده از این نیروی عظیم فراهم گردد.

با توجه به روند رو به افزایش تعداد پذیرفته‌شدگان زن در سال‌های آتی، به نظر می‌رسد که از یک طرف، فرصتی استثنائی برای جامعه به منظور کشف و بهره‌برداری از این استعدادها فراهم شده و از طرفی دیگر، در صورت عدم برنامه‌ریزی و استفاده صحیح، بحران اشتغال دیگری قریب الوقوع است. نادیده انگاشتن کار و فعالیت اقتصادی زنان یعنی کنار زدن نیمی از جمعیت فعال اقتصادی کشور از عرصه‌ی کار و فعالیت است که سازندگی، شکوفایی و توسعه اقتصاد کشور را غیر ممکن می‌سازد.

۴- زنان و آمار مربوط به جمعیت فعال

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز موقعیت زنان را به طور محسوسی تغییر داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به استثنای اصل ۱۱۵ که طبق آن ظاهراً، زن نمی‌تواند رئیس جمهور شود، زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق یکسانی برخوردارند. در اصل بیستم آمده است: ” همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند“

تمامی پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی که زنان تاکنون در جهت ایفای صحیح نقش خویش در خانه به عنوان مادر و همسر و در جامعه به عنوان عضو فعال و مفید و برابر با مردان در فعالیتهای تولیدی و اقتصادی داشته‌اند، قابل توجه است. اما هنوز هم در عمل، تبعیضات و نابرابری‌هایی در رابطه با فعالیت زنان در خارج از خانه وجود دارد. امید است این تبعیضات با آگاهی هرچه بیشتر زنان به نقش خویش و اتخاذ برنامه‌های صحیح در سیاست‌گذاری‌های جدید از بین برود و زنان بتوانند نیروهای بالقوه خویش را به صورت بالفعل درآوردند و در جهت پیشرفت خود و شکوفایی اقتصاد ایران نقش خود را ایفا نمایند.

جدول ۳: جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان بر حسب فعالیت در سرشماری‌های مختلف (هزار نفر)

سال	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال					جمعیت غیر فعال				
		معلم	کارمند	کارگر	کشاورز	سایر	درآمد بدون کار	سایر	سیر	میان (هزار نفر)	
۱۳۳۵	۶۲۴۲	۵۷۶	۵۷۳	۲	۵۶۶۶	۱۸۶	۲۹۶۴	-	۵۱۶	۹/۲۲	۹/۷
۱۳۴۵	۸۲۰۶	۱۰۳۳	۹۴۴	۹۰	۷۱۷۲	۶۱۰	۶۰۱۷	.	۵۴۵	۱۲/۶	۱۳/۳
۱۳۵۵	۱۱۲۰۶	۱۴۴۹	۱۲۱۲	۲۳۷	۹۷۷۵	۱۶۶۴	۷۷۰۷	۲۴۰	۱۴۶	۱۲/۹	۱۳/۸
۱۳۶۵	۱۶۰۳۳	۱۲۰۷	۹۷۵	۳۳۳	۱۴۷۲۵	۲۶۵۹	۱۱۰۱۱	۱۳۵	۹۲۰	۸/۲	۸/۹
۱۳۷۵	۲۲۳۷۹	۲۰۳۷	۱۷۶۵	۲۷۲	۲۰۱۲۴	۵۹۵۵	۱۳۰۷۲	۳۶۲	۷۳۳	۸/۱	۸/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۷۵-۱۳۳۵

جدول ۳ نشان می‌دهد که با وجود افزایش حدود ۹/۷۹۱ میلیون نفر به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در خلال سال‌های ۶۵-۱۳۳۵، جمعیت فعال تا سال ۱۳۵۵ افزایش ۱۲۶ درصدی داشته و در طول دهه‌ی ۶۵-۱۳۵۵، تقریباً ۹/۸ درصد کاهش یافته است. ترکیب شاغل و بیکار جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر مبین آن است که شاغلین در دهه‌ی ۶۵-۱۳۵۵، تقریباً ۹/۶ درصد کاهش یافته است. به عبارتی دیگر، ۱/۲ میلیون نفر زن شاغل در سال ۱۳۶۵ به ۹۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است؛ یعنی در دهه‌ی ۶۵-۱۳۵۵ شاهد کاهش قریب به ۲۳۷ هزار ظرفیت شغلی در بین زنان بوده‌ایم. این در حالی است که تعداد زنان بیکار در فاصله‌ی مذکور ۱/۴ برابر شده است. از این رو، سیر صعودی نرخ بیکاری زنان با توجه به کاهش جمعیت فعال در سال ۱۳۶۵ به ۲۵/۵ درصد رسیده است. با توجه به اینکه نرخ بیکاری در ایران ۱۴/۲ درصد است، رقابت میان زنان بیکار به صورت بارزی بیشتر شده است. افزایش جمعیت غیرفعال را عمدتاً می‌توان ناشی از افزایش محصلین و خانه‌داران دانست که این مسأله جای بررسی بیشتری دارد. از طرفی دیگر، نرخ مشارکت جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر زنان تا سال ۱۳۵۵ مرتباً افزایش یافته است و پس از آن تا سال ۱۳۷۵ روندی ترولی داشته است. همچنین، در سال ۱۳۵۵ سهم زنان شاغل از کل جمعیت فعال ۸۳ درصد بود که در سال ۱۳۶۵ با کاهش ۹ درصدی ۷۴ درصد رسیده است.

به این ترتیب، به اعتبار داده‌های موجود در فاصله‌ی ۱۰ ساله ۶۵-۱۳۵۵، نه تنها برای زنان کشور فرصت‌های جدید شغلی ایجاد نشده است، بلکه از ظرفیت موجود در سال ۱۳۵۵ آنها نیز کاسته شده است که دلیل آن وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی است. طی دهه‌ی ۷۵-۱۳۶۵ سهم زنان شاغل در کل جمعیت فعال زنان رقم ۸۶ درصد افزایش یافت که رشد ۱۲ درصدی را نشان می‌دهد.

۵- میزان عمومی فعالیت زنان

در دهه‌ی ۶۵-۱۳۵۵ تعداد زنان ۱۰ ساله و بالاتر با رشد متوسط ۳/۷ درصدی در سال از ۱۱/۲ میلیون نفر به ۱۶ میلیون نفر رسید. زنان فعال در این مجموعه به ترتیب ۴/۱ میلیون نفر (۱۲/۹ درصد) و ۱/۳ میلیون نفر (۸/۲ درصد) بودند. میزان عمومی فعالیت زنان در این دوره با کاهشی به طور متوسط ۱ درصد در سال همراه بوده که با توجه به ثابت بودن نسبت زنان جویای کار، میزان کاهش اشتغال زنان به مراتب بیشتر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). در همین زمان میزان فعالیت مردان به طور متوسط ۳/۲ درصد در هر سال رشد یافته است. زنان غیرفعال از ۹/۸ میلیون نفر (۸۷/۱ درصد زنان ده ساله و بالاتر) به ۱۴/۷ میلیون نفر (۹۱/۸ درصد زنان ده ساله و بالاتر) رسیدند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

زنان دارای درآمد بدون کار در این مجموعه سهم اندکی دارند (۰/۸ درصد زنان ده ساله و بالاتر) و از هر ۱۰۰ زن ده ساله و بالاتر ۹۱ زن هیچگونه نقشی در فعالیت‌های اقتصادی ایفاء نمی‌کنند و صاحب هیچ درآمدی نیستند و به یکی از اساسی‌ترین علل افزایش بار تکفل در سال‌های اخیر تبدیل شده‌اند.

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، بیش از ۹/۸ درصد از میزان فعالیت عمومی زنان طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ کاسته شده است. کاهش تعداد زنان شاغل نیز آن هم در شرایطی که میزان جمعیت کشور رشد فزاینده‌ای دارد، نگران‌کننده است. آن دسته از زنانی که از امکانات مالی و اقتصادی بی‌بهره بودند یا خانواده فقیر و غیرمتمکنی داشتند، با پایین آمدن آمار اشتغال زنان در جامعه، باید مشکلات و مسائل سخت و کمرشکنی را تحمل می‌کردند. افزایش جمعیت غیرفعال (عمدتا محصلان و زنان خانه‌دار) که از دلایل عمده‌ی این افزایش،

محدودیت مشارکت زنان است، موجب می‌شود تا تعداد افراد تحت تکفل که متکی به درآمد افراد شاغل هستند، بالا رود و نیز باعث سنگینی بار تکفل شود، در حالی که زنان به عنوان درصدی از نیروی انسانی می‌توانند خود مولد باشند.

۶- بررسی وضعیت سواد زنان

طبق سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ نسبت تعداد مردان به زنان در ایران ۱۰۵ درصد است که به دلیل برابری تعداد زن و مرد، انتظار می‌رود خدمات اجتماعی و میزان فعالیت‌های اقتصادی نیز به‌طور مساوی بین آنان تقسیم شود. ولی آمار نشان می‌دهد که فعالیت مردان چندین برابر زنان است. این تفاوت را به وضوح می‌توان در آمار مربوط به وضعیت شغلی آنان و نیز انواع مشاغل مشاهده کرد. نگاهی به وضعیت سواد زنان در این ده‌ساله بیانگر این مطلب است.

جدول ۴: تعداد و نسبت باسوادان ۶ ساله و بالاتر کشور در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

نواحی	۱۳۵۵				۱۳۶۵			
	زن و مرد		زن		زن و مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۱۲۸۷۷۰۷۵	۴۷/۹	۴۶۷۹۰۸۸	۳۵/۵	۹۸۳۵۲۹۹	۶۱/۸	۲۳۹۱۳۱۹۵	۵۲/۱
شهری	۸۶۲۸۲۳۹	۶۵/۵	۳۴۸۲۸۴۶	۵۵/۶	۶۷۴۱۹۴۱	۷۳/۱	۱۵۵۰۶۶۶۶	۶۵/۴
روستایی	۴۲۴۸۸۳۶	۳۰/۵	۱۱۹۶۲۴۲	۱۷/۳	۳۰۹۳۳۵۸	۴۸/۰	۸۴۰۶۵۲۹	۳۶/۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال‌نامه آماری کشور، ۶۵ و ۱۳۵۵.

گرچه در فاصله ده ساله ۶۵-۱۳۵۵ نسبت باسوادی زنان همچون کل کشور افزایش یافته و از ۳۵/۵ درصد به ۵۲/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است، ولی این نسبت برای زنان روستایی همچنان در سطح پایینی قرار دارد. به رغم افزایش نسبی باسوادی در فاصله مذکور تعداد باسوادان بالاخص در بین زنان شهری بیشتر از تعداد آنها در سال ۱۳۵۵ شده است. کاهش اندک تعداد بی‌سوادان در مناطق روستایی به دلیل مهاجرت‌های روستاییان بوده است، نه گسترش امکانات آموزشی در سطح روستاها.

از طرفی دیگر، افزایش تعداد باسوادان در گروه سنی زیر ۱۵ سال بوده است و نسبت باسوادی جمعیت زنان در سنین باروری افزایش کمتری نسبت به سطح

عمومی سواد زنان داشته است. با توجه به ادامه تحصیل زنان در سطوح بالا و دانشگاهی و اثر آن در کاهش باروری و زاد و ولد زنان، لازم است که زمینه‌های ادامه تحصیل زنان فراهم گردد تا بتوانند با استفاده از امکانات آموزشی، توان علمی و تخصصی خویش را بالا برند و در جهت شکوفای اقتصادی مؤثر واقع گردند.

۷- رابطه‌ی بین میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال

رابطه‌ی آموزش و تمایل به کارکردن زنان به طور قاطع بستگی به امکانات و تسهیلات آموزشی و تربیت حرفه‌ای دارد که در اختیار مردان و زنان گذارده می‌شود. هر چند که دوگانگی از نظر فعالیت اقتصادی می‌تواند وجود همبستگی بین آموزش و میزان فعالیت زنان را تعیین کند، ولی تا انجام بررسی‌های دقیق باید با احتیاط اظهار نظر کرد. دیگر اینکه با فراهم کردن امکانات آموزشی و تربیت حرفه‌ای می‌توان انتظار داشت که مشارکت زنان در زندگی اقتصادی بیشتر شود و رابطه‌ی مثبتی بین سطح آموزش و فعالیت اقتصادی زنان برقرار گردد.

هر اندازه آموزش و تربیت حرفه‌ای برای زنان امکان‌پذیرتر باشد، به همان اندازه موانع و مشکلات برای به دست آوردن مشاغل سطح بالاتر با حقوق و مزایای بهتر رو به کاهش می‌گذارد. به هر حال، آموزش زنان برای مشارکت آنان در زندگی اقتصادی تأثیری مثبت دارد و امکان اشتغال را گسترده‌تر می‌کند. همچنین، توقعات و انتظارات را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد و نفوذ سنت‌های فرهنگی را تضعیف می‌کند. آموزش آثاری غیرمستقیم، ولی مثبت دارد. از جمله آن بازداشتن زنان از داشتن فرزندان زیاد است. همچنین، آنان را تشویق می‌کند که دیر ازدواج کنند و حاملگی‌های خود را به عقب بیندازند. تمامی این دگرگونی‌ها در جهت فراهم ساختن زمینه‌ی ورود زنان به بازار کار است. مسأله مهم این است که پس از فراغت از تحصیل دختران به انجام حرفه‌ای تشویق شوند.

۸- رابطه‌ی اشتغال زن و درآمد

در این نمونه تحقیق ۸۶ درصد از زنان غیرشاغل و فقط ۱۴ درصد آنان شاغل بودند. از کل شاغلین ۲۸/۵۷ درصد را زنان با مشاغل عالی و ۷۱/۴۲ درصد را کارمندان ساده دولت تشکیل می‌دهند. با توجه به آمار فوق، سه مسأله زیر قابل توجه است.

- (۱) پایین بودن میزان اشتغال زنان
- (۲) پایین بودن درصد زنان شاغل در مشاغل عالی
- (۳) پایین بودن میزان درآمد زنان شاغل به طوری که بیش از ۷۰ درصد زنان شاغل در کارهای ساده‌ی دولتی، ماهیانه کمتر از ۱۵۰ هزار تومان دریافت می‌دارند.

جدول ۵: رابطه بین میزان درآمد و نوع شغل زنان

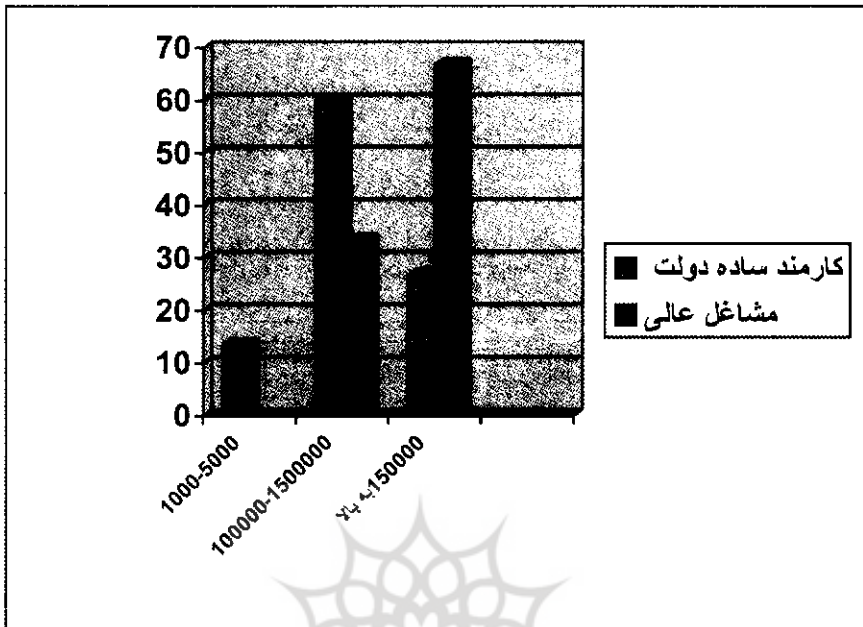
میزان درآمد نوع شغل	۵۰-۱۰۰ هزار تومان	۱۰۰-۱۵۰ هزار تومان	۱۵۰ هزار تومان به بالا	جمع
مشاغل عالی	۰	۶	۱۲	۱۸ (۲۸/۵۷)
کارمند دولت	۶	۲۷	۱۲	۴۵ (۷۱/۴۲)
جمع	۶	۳۳	۲۴	۶۳
توزیع درصدی				
مشاغل عالی	(۰/۰)	(۳۷/۳۳)	(۶۶/۶۶)	(۱۰۰)
کارمند دولت	(۱۴/۳۳)	(۶۰)	(۲۶/۶۶)	(۱۰۰)

مأخذ: محاسبات محقق

برای تبیین و تحلیل جدول از آزمون χ^2 استفاده می‌کنیم. آماره χ^2 محاسبه شده با درجه آزادی $df = ۲$ برابر با $\chi^2 = ۹/۴۵$ است که از χ^2 جدول بزرگ‌تر است و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که رابطه‌ی معنی‌داری بین اشتغال و درآمد زنان وجود دارد و درستی فرضیه‌ی تحقیق را ثابت می‌کند. همچنین اگر از ضریب توافق (Pt) استفاده شود، باز به وجود رابطه بین این دو متغیر پی خواهیم برد.

$$Pt = ۰/۱۱$$

نمودار ۱: تعداد زنان جامعه نمونه برحسب نوع شغل و میزان درآمد



مأخذ: برگرفته از جدول ۷

هر چه تحصیلات زن به اندازه شوهر یا بالاتر از او باشد، زن برای تأمین قسمتی از منابع خانواده به فعالیت می‌پردازد.

جدول ۶: رابطه بین درآمد شوهر و اشتغال زن

مقدار درآمد به هزار تومان						میزان وضعیت
جمع	بی مورد	۲۵۰۰	۲۰۰۰-۲۵۰	۱۵۰-۲۰۰	۱۰۰-۱۵۰	اشتغال
۶۳	.	۹	۳	۶	۲۷	شاغل
۳۸۷	۱۸	۴۸	۳۰	۱۱۴	۷۸	غیرشاغل
۴۵۰	۱۸	۵۷	۳۳	۱۲۰	۱۰۵	جمع
توزیع درصدی						
(۱۰۰)	(۰/۰)	(۱۴/۲۸)	(۴/۷۶)	(۹/۵۲)	(۴۲/۸۵)	شاغل
(۱۰۰)	(۴/۶۵)	(۱۲/۴۰)	(۷/۷۵)	(۲۹/۴۵)	(۲۰/۱۵)	غیرشاغل

مأخذ: محاسبات محقق

$$df=5$$

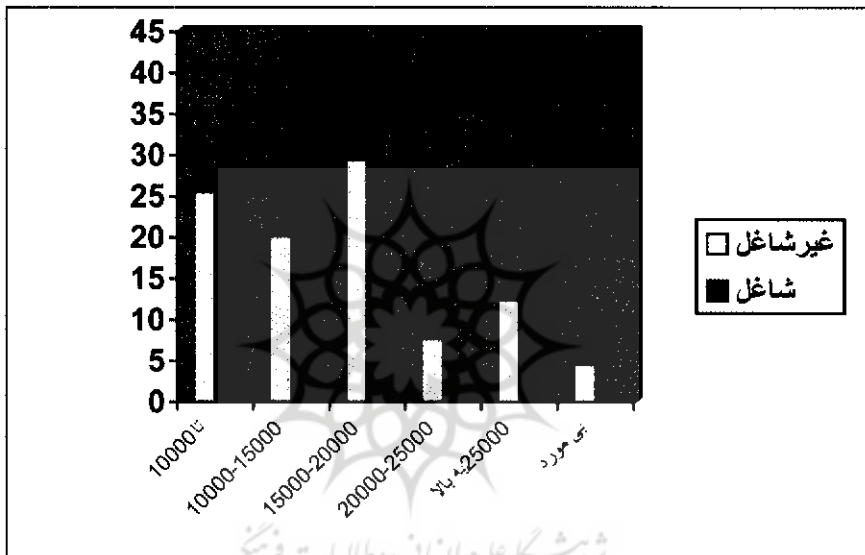
$$\chi^2 = 22/26$$

از مقایسه درآمد شوهران شاغل و غیرشاغل نتیجه می‌گیریم که میزان درآمد شوهران زنان شاغل به میزان درآمد شوهران زنان غیرشاغل به مراتب پایین‌تر است. به عبارتی دیگر، یکی از انگیزه‌های اشتغال به کار زنان احتیاجات مالی و کسب

درآمد و بر طرف نمودن نیازهای زندگی است. در صورتی که درآمد شوهر جهت پاسخگویی به نیازهای مالی خانواده پاسخگو باشد، زن کمتر گرایش به کار بیرون پیدا می‌کند.

می‌توان گفت به احتمال ۹۹ درصد بین اشتغال زنان و درآمد شوهرانشان رابطه وجود دارد.

نمودار ۲: درآمد (حقوق ماهیانه) شوهران زنان جامعه نمونه برحسب وضعیت اشتغال



ماخذ: برگرفته از جدول ۸

۹- اشتغال زنان و تعداد فرزندان

گرچه عوامل متعددی در نوسانات سطح باروری در ایران دخالت دارند، لیکن اثر قاطع عوامل مهم سواد و اشتغال زنان بویژه زنان در سنین باروری غیرقابل انکار است. از طرفی دیگر، ایجاد زمینه‌های ایجاد مشارکت در خارج از منزل و اشتغال زنان در بازار کار می‌تواند به طرز فوق‌العاده‌ای به کاهش باروری منجر شود. به عبارتی دیگر، گسترش زمینه‌های اشتغال و آموزش زنان موجبات استفاده از سایر راه‌های کنترل جمعیت می‌شود و موفقیت آنها را به همراه دارد.

جدول ۷: رابطه بین اشتغال و باروری (تعداد فرزندان)

تعداد فرزند وضعیت اشتغال	۰-۲	۳-۵	۶ به بالا	بی مورد	جمع
شاغل	۲۴	۲۷	۹	۳	۶۳
غیرشاغل	۱۲۰	۱۱۷	۱۱۱	۳۹	۳۸۷
جمع	۱۴۴	۱۴۴	۱۲۰	۴۲	۴۵۰
توزیع درصدی					
شاغل	(۳۸/۰۹)	(۴۲/۸۵)	(۱۴/۲۸)	(۴/۷۶)	(۱۰۰)
غیرشاغل	(۳۱)	(۳۰/۲۳)	(۲۸/۶۸)	(۱۰/۰۷)	(۱۰۰)

مأخذ: محاسبات محقق

$$df = 3 \quad \chi^2 = 14/08$$

در جدول بالا مشاهده می‌شود که ۳۸/۰۹ درصد از زنان شاغل دارای ۰-۲ فرزند، ۴۲/۸۵ درصد بین ۳-۵ فرزند، ۱۴/۲۸ درصد دارای ۶ فرزند و بیشتر و ۴/۷۶ درصد آنان بدون فرزند بوده‌اند.

از این رو، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که رابطه‌ی معنی‌داری بین اشتغال و تعداد فرزندان زنان وجود دارد و بدین ترتیب فرضیه‌ی تحقیق اثبات می‌گردد.

۱۰- اشتغال زنان و سن ازدواج

آمار به دست آمده نشان می‌دهد که ۹/۵۲ درصد از زنان شاغل بین سنین ۱۵-۱۹ سالگی و ۷۱/۴۲ درصد در سنین ۲۰-۲۴ سالگی و ۱۴/۲۸ درصد در سنین ۲۵-۲۹ سالگی و ۷/۶۷ درصد در سنین ۳۰-۳۴ سالگی، برای اولین بار ازدواج کرده‌اند.

جدول شماره ۸: رابطه بین وضع اشتغال و سن ازدواج

وضعیت اشتغال	سن ازدواج				
	۱۰ - ۱۴	۱۵ - ۱۹	۲۰ - ۲۴	۲۵ - ۲۹	۳۰ - ۳۴
شاغل	۰	۶	۴۵	۹	۳
	(۰/۲۴)	(۲۹/۴)	(۱۷/۶۴)	(۳/۷۸)	(۲/۹۴)
غیر شاغل	۶۶	۲۰۴	۱۸	۱۸	۱۸
	(۵۶/۷۶)	(۱۸۰/۶)	(۱۰۰/۳۶)	(۲۳/۳۲)	(۱۸/۰۶)
جمع	۶۶	۲۱۰	۱۲۶	۲۷	۲۱
توزیع درصدی					
شاغل	۰	۹/۵۲	۷۱/۴۲	۱۴/۲۸	۷/۶۷
غیر شاغل	۱۷/۰۵	۵۲/۷۱	۲۰/۹۳	۴/۶۵	۴/۶۵

مأخذ: محاسبات محقق

$$df = 4 \quad \chi^2 \quad 90/09$$

در بین زنان غیر شاغل ۱۷/۰۵ درصد در سنین ۱۰-۱۴ سالگی، ۵۲/۷۱ درصد در سنین ۱۵-۱۹ سالگی، ۲۰/۹۳ درصد در سنین ۲۰-۲۴ سالگی، ۴/۶۵ درصد در سنین ۲۵-۳۰ سالگی و ۱۷/۰۵ درصد در سنین ۳۰-۳۴ سالگی ازدواج کرده‌اند. می‌بینیم که در بین زنان شاغل زیر ۱۴ سال ازدواجی صورت نگرفته است، اما ۱۷ درصد از زنان غیر شاغل در سن زیر ۱۴ سال ازدواج کرده‌اند. همچنین، بالاترین رقم سن ازدواج در شاغلین سن ۲۰-۲۴ ساله و سنت آنها ۷۱/۴۲ درصد است، در حالی که برای زنان غیر شاغل ارقام متناظر به ترتیب ۱۵-۱۹ و ۵۲/۷۱ درصد است.

با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین اشتغال زنان و سن ازدواج رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. ضریب Pt نیز برابر با ۱۰ درصد ضریب توافق بوده است که توافق معنی‌داری را نشان می‌دهد ($\chi^2_{crit} = 90/09 < \chi^2_{0.1} = 18/5$).

۱۱- رابطه‌ی بین میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال

رابطه‌ی آموزش و تمایل به کارکردن زنان به طور قاطع بستگی به امکانات و تسهیلات آموزشی و تربیت حرفه‌ای دارد که در اختیار مردان و زنان گذارده می‌شود. هرچند که دوگانگی از نظر فعالیت اقتصادی می‌تواند وجود همبستگی بین آموزش و میزان فعالیت زنان را تعیین کند، ولی تا انجام بررسی‌های دقیق و ژرفانگر باید در مورد آن با قید احتیاط اظهار نظر کرد. دیگر اینکه با فراهم کردن امکانات آموزشی و تربیت حرفه‌ای می‌تواند انتظار داشت که مشارکت زنان در

زندگی اقتصادی بیشتر شود و رابطه‌ی مثبتی بین سطح آموزش و فعالیت اقتصادی زنان برقرار گردد (فرخ امین زاده، ۱۳۵۸، ص ۱۴).

غالباً مشاغل زنان تحصیل کرده با حیثیت و درآمدی که فکر می‌کنند استحقاق آن را دارند، هماهنگ نیست. در بیشتر موارد، به زنان مشاغل پایین‌تر از مردان هم سطح آنان از نظر آموزشی واگذار می‌شود. در این موارد، غالباً به پیامدهای چنین عملکردهایی در وضعیت احساسی زنان و واخوردگی ناشی از آن توجه نمی‌شود و به همین دلیل برخی از زنان از زندگی حرفه‌ای کناره‌گیری می‌کنند.

جدول ۹: رابطه بین وضعیت اشتغال زنان و میزان تحصیلات

میزان تحصیلات								وضعیت اشتغال
جمع	لیسانس به بالا	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	سیکل	ششم ابتدایی	بی سواد	
۶۳	۹	۱۸	۱۲	۲۴	۰	۰	۰	شاغل
۳۸۷	۲	۴۸	۱۰	۱۳۵	۸۱	۹۰	۲۱	غیرشاغل
۴۵۰	۱۱	۶۶	۲۲	۱۵۹	۸۱	۹۰	۲۱	جمع
توزیع درصدی								
(۱۰۰)	(۱۴/۲۸)	(۲۸/۵۷)	(۱۹/۰۴)	(۳۸/۰۹)	(۰/۰)	(۰/۰)	(۰/۰)	شاغل
(۱۰۰)	(۰/۵۱)	(۱۲/۴۰)	(۲/۵۸)	(۳۴/۸۸)	(۴۰/۹۳)	(۳۲/۳۵)	(۵/۴۲)	غیرشاغل

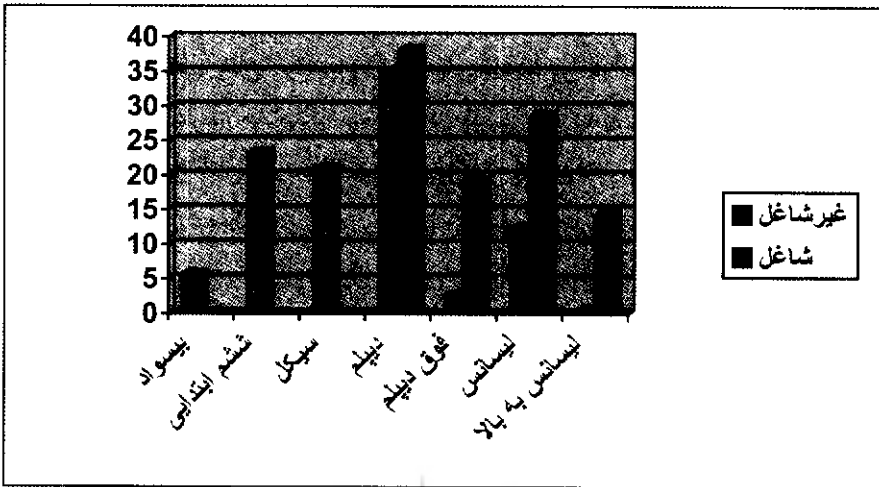
مأخذ: محاسبات محقق

$$df = 6 \quad \chi^2 = 327/3$$

آماره‌ی χ^2 محاسبه شده برابر با $327/3$ است که از χ^2 جدول با درجه‌ی آزادی ۶ در سطح ۱ درصد به مراتب بیشتر است. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه‌ی معنی‌داری بین میزان تحصیلات زنان و وضعیت اشتغال آنان وجود دارد. ضریب Pt نیز توافق بین این دو را نشان می‌دهد. پس این فرضیه‌ی تحقیق نیز اثبات می‌گردد.

نمودار زیر تعداد زنان نمونه مورد بررسی را برحسب میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال نشان می‌دهد.

نمودار ۳: تعداد زنان نمونه بر حسب میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال



مأخذ: برگرفته از جدول ۱۱

در ارتباط با وجود رابطه بین اشتغال زنان و شرکت آنان در امور و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، فرضیه‌ی تحقیق بر اساس وجود رابطه‌ی معنی‌دار تعریف شده است. برای آزمون این فرضیه اطلاعات به دست آمده در جدول ۱۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱۰: رابطه‌ی بین اشتغال زنان و شرکت در امور اجتماعی - فرهنگی

وضعیت مشارکت وضع اشتغال	شرکت نمی‌کند	شرکت می‌کند	جمع
شاغل	۲۴	۳۹	۶۳
غیرشاغل	۳۲۴	۶۳	۳۸۷
جمع	۳۴۸	۱۰۲	۴۵۰
توزیع درصدی			
شاغل	(۳۸/۰۹)	(۶۱/۹۰)	(۱۰۰)
غیرشاغل	(۸۳/۷۲)	(۱۶/۲۷)	(۱۰۰)

مأخذ: محاسبات محقق

برای تحلیل و تبیین جدول به سراغ آماره‌ی χ^2 می‌رویم. مقایسه‌ی χ^2 محاسبه شده با χ^2 جدول در سطح ۱ با اطمینان ۹۹ نشان از وجود رابطه‌ی معنی‌داری بین اشتغال زنان و مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی دارد.

۱۲- نتیجه‌گیری

از نظر زنان دلایل مختلفی به عنوان موانع در اشتغال بیرون از خانه وجود دارد. برخلاف نظر اکثر مردم که عدم نیاز مالی یا عدم علاقه یا عدم تحصیلات

کافی را دلیل عمده سرکار نرفتن زنان می‌دانند، نتایج تحقیق نشان داد که دلیل عمده عدم اشتغال زنان وجود فرزندان در خانواده است. می‌توان گفت زنان به خاطر فرزندانشان از اشتغال در بیرون سر باز می‌زنند و در خانه به مراقبت و تربیت فرزندان می‌پردازند. البته، در مورد بعضی از زنان، تنها یک دلیل خاص برای عدم اشتغال وجود ندارد، بلکه دلایل متعددی هم موجبات عدم اشتغال آنان در بیرون از خانه را فراهم کرده است.

به منظور تحقق برابری فرصت‌ها، باید مزد پرداختی به زنان و مردان مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. پدیده‌های اجتماعی فراوانی بر اشتغال زنان در بیرون از خانه اثر می‌گذارد. این پدیده‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. نظام ارزش‌های کنونی حاکم به گونه‌ای است که بیشتر افراد به طور طبیعی به برتری مرد نسبت به زن در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اعتقاد دارند. تغییر این گونه باورها ساده نیست.

یکی دیگر از انگیزه‌های اشتغال به کار زنان احتیاجات مالی و کسب درآمد و برطرف نمودن نیازهای زندگی است. در صورتی که درآمد شوهر برای پاسخگویی به نیازهای مالی خانواده پاسخگو باشد، زن کمتر گرایش به کار در بیرون از خانه پیدا می‌کند.

همچنین، بین اشتغال زنان و سن ازدواج و اشتغال و مشارکت اجتماعی و فرهنگی با تحصیلات آنان رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد.

۱۳- پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱) وزارت کار با همکاری سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها نسبت به رفع تبعیض و نبود فرصت‌های برابر شغلی اقدام نماید تا بدین وسیله دستیابی زنان به مشاغل گوناگون فراهم گردد.

۲) وزارتخانه‌های مختلف و سازمان کار و تأمین اجتماعی در مورد تقلیل ساعت کار بانوان اقداماتی را به‌اجرا گذارند تا مشاغل بیرون از خانه لطمه‌ای به زندگی خانوادگی و تربیت فرزندان نزنند.

۳) زنان شاغل با مدارک تحصیلی بالاتر، وجود زنان شاغل با سنوات خدمتی بیشتر و عوامل آموزشی را عامل تبعیض می‌دانند، حال آنکه زنان متأهل عوامل

اقتصادی را دلیل بروز مشکلات شغلی می‌دانند. این تفاوت‌ها باید توسط متولیان امر مورد توجه قرار گیرد.

۴) دولت به فعالیت زن در خانواده و به نقش اساسی زن در خانواده توجه کند و بیمه‌های اجتماعی برای زنان خانه‌دار در کلیه‌ی زمینه‌ها تعمیم یابد. همچنین، باید خود اشتغالی زنان در کلیه‌ی زمینه‌ها و خود اشتغالی زنان در منازل خود مورد توجه و پذیرش قرار گیرد.

۵) مشارکت زنان در تعیین نوع و سمت و سوی توسعه و الگوها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور با دستیابی بر بهداشت بهتر، درآمد بهتر، مهارت‌ها و تکنولوژی، برابری حقوقی و تسلط بر جسم و بدن خویش مورد تشویق قرار گیرد.

۶) مراکز مشاوره‌ی راهنمایی خانوادگی برای زنان تاسیس گردد تا با ارائه‌ی آموزش‌های لازم موقعیت زنان در خانواده و اجتماع ارتقاء یابد.

مقررات حمایتی و قانونی برای ایجاد شرایط مناسب استخدامی زنان تصویب

گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

امین زاده، فرخ، جمعیت‌شناسی کار، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۱۸۱.

عظیمی، لیلا، " بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان مطالعه موردی زنان شهر شیراز، " رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۷۵.

Anandel & Hant work transations fourth workd congress Of Sociology
Social conflict in styles of sociology, 2000.

Humphrey. J., Gender and Work in the Third Word, Tavistock
Publication London and New York, 1987.

International labor organization (ILO), yearbook of statistics, 1988, p.
169.

Calan, T., B. Nolan, O. Donal and olive Sweetman," Female Labour
Supply and Income Inequality in Ireland," [www.may.ie/eced/emic/
Economics/Polf/N790698](http://www.may.ie/eced/emic/Economics/Polf/N790698).

Ling yang, H., "Education Married Woman's Participation, Fertility and
Economic growth," Journal of Economic Development, Vol. 25,
No.2, December 2000.

Women, High Educational System and Employment.

M. R. Iravani (MS.c.)*

Abstract:

Today, human resources, development of educational level and effective use of powerful forces have more importance than before. During recent 40 years, especially after the Islamic revolution, more facilities and educational opportunities are provided for women. This has created some changes in the outlook of the society toward women's pursuit of education. The increasing number of educated women and the increase in the age of marriage have led to the decrease of births and the promotion of the cultural level in the society.

However, in recent three decades, the rate of women employment has decreased. The increasing of responsibility and the poverty are some of its undesirable results. The changes in women employment in different economic parts has been in such a way that we can observe the most decrease of women employment in industrial sect. In addition, regarding the increasing number of high educated women, the concept of "sexual discrimination" has appeared. In comparison to the increasing rate of educated women, it has not provided necessary conditions for management promotion and employment in high-level positions.

Key word, base occupation, active population, general women's activity rate, participation of women, feministic attitude.

* Lecturer at Khomeyni Shahr, Islamic university.